

Journal of Cognitive psychology
September 2024, Volume 12, Issue 2



The Relationship Between Parenting Styles and Creativity: The Mediating Role of Executive Functions

Paria Saadat Meraji Saeed¹, Zahra Hashemi^{2*}, Fateme Fooladi¹

1. PH. D Student of Educational Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran

2. Assistant professor in Department of Educational Psychology, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran (z.hashemi@alzahra.ac.ir)

Citation: Meraji Saeed, P., Hashemi, Z. & Fooladi, F. The Relationship Between Parenting Styles and Creativity: The Mediating Role of Executive Functions. *Journal of Cognitive Psychology*. 2024; 12 (2):1-12 [Persian].

Article Info:

Key words

Parenting Style,
Creativity,
Executive
Functions,
Students

Abstract

The aim of the present study was to investigate the relationship between parenting styles and creativity with an emphasis on the mediating role of executive functions among students. This study was a correlational study. The study population included all students at Al-Zahra University (SA) in the academic year 1402-1403, from which 245 students were selected by convenience sampling. In order to collect data, the Baumrind Parenting Styles Questionnaire, Abedi Creativity Assessment Test, and Nejati Cognitive Abilities Questionnaire were used. The collected data were analyzed using Pearson correlation test and structural equation modeling. The findings of the study indicated that there is a positive and significant relationship between parenting styles, creativity, and executive functions ($P < 0.01$). Also, the mediating role model of executive functions had a good fit in the relationship between parenting styles and creativity. As a result, it can be said that the executive functions variable has a significant mediating role in the relationship between parenting styles and creativity. Therefore, it is necessary to help strengthen children's creativity through their executive functions by informing parents about various parenting styles.

رابطه سبک‌های فرزندپروری با خلاقیت: نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی

پریا سادات معراجی سعید^۱، زهرا هاشمی*^۲، فاطمه فولادی^۱

۱. دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی تربیتی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.

z.hashemi@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت

۱۴۰۲/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش نهایی

۱۴۰۲/۰۹/۲۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و خلاقیت با تاکید بر نقش میانجی کارکردهای اجرایی در بین دانشجویان بود. این پژوهش از نوع مطالعات همبستگی بود. جامعه مورد مطالعه شامل تمامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س) در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود که از این جامعه تعداد ۲۴۵ دانشجو به روش در دسترس انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند، آزمون سنجش خلاقیت عابدی و پرسشنامه توانایی‌های شناختی نجاتی استفاده شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که بین سبک‌های فرزندپروری با خلاقیت و کارکردهای اجرایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P < 0/01$). همچنین مدل نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی، در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با خلاقیت از برآزش خوبی برخوردار بود. در نتیجه میتوان گفت که متغیر کارکردهای اجرایی نقش واسطه‌ای معناداری در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و خلاقیت دارد. بنابراین لازم است که با آگاهی بخشی به والدین در مورد انواع سبک‌های فرزندپروری به تقویت خلاقیت کودکان از طریق کارکردهای اجرایی آن‌ها کمک کرد.

واژگان کلیدی

سبک فرزندپروری،
خلاقیت، کارکردهای
اجرایی، دانشجویان

مقدمه

می‌کند. تأثیر فرزندپروری بلندمدت است و به جوانب مختلف رشد کودک ارتباط دارد، زیرا هر سبک والدگری خود قوانین، الگوها و چارچوب‌های رفتار خاص خود را دارد که تأثیر آن بر رشد کودک نمود پیدا می‌کند (اوکپاکا و همکاران، ۱۴۰۱).

اولین مطالعات تجربی در مورد سبک‌های فرزندپروری متمرکز بر ابعاد دوگانه آن مانند کنترل-خودمختاری، پذیرش- طرد و صمیمیت-خصومت بود. اما بعد از آن بامریند (۱۹۶۷)، مککویی و مارتین (۱۹۸۳) با طراحی چهارچوب نظری قدرتمندی دیدگاه جدیدی در حوزه سبک‌های فرزندپروری به وجود آوردند. به عنوان یکی از معروف‌ترین دیدگاه‌های فرزندپروری، بامریند (۱۹۷۱) انواع سبک‌های مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه معرفی کرد (گرالوفسکی و یانکوفسکا، ۲۰۲۰). این سبک‌ها براساس پاسخگویی (صمیمیت والدین) و کنترل (مطالبه) والدین دسته‌بندی می‌شوند. کنترل والدین به قوانین قاطعانه‌ای اشاره دارد که والدین برای فرزندان خود تعیین می‌کنند، در حالی که صمیمیت والدین به پذیرش و مسئولیت‌پذیری نسبت به رفتار کودکان اشاره دارد (افشانی و همکاران، ۱۴۰۳).

بررسی پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری به عنوان پیش‌بینی کننده خلاقیت در نظر گرفته می‌شوند به عنوان مثال در پژوهش فرون، کاپلند و ساکسون (۲۰۱۳) نتایج نشان داد که سبک فرزندپروری مستبدانه برجسته ترین پیش بینی کننده منفی خلاقیت در کودکان است. نتایج پژوهش مهری‌نژاد و همکاران (۲۰۱۵)، حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و خلاقیت بود، در حالی که بین فرزندپروری مستبدانه و خلاقیت رابطه منفی معنادار وجود داشت. علاوه بر این بین سبک سهل‌انگارانه فرزندپروری و خلاقیت رابطه معناداری مشاهده نشد. در پژوهش ملتفت و همکاران (۲۰۱۸)، نیز نشان داده شد که ابعاد مثبت فرزندپروری مانند گرمی و نظم رابطه مثبت و ابعاد منفی مانند اجبار و هرج و مرج در فرزندپروری به‌طور منفی خلاقیت عاطفی

خلاقیت یک ویژگی کلیدی انسانی است که باعث رشد جوامع می‌گردد زیرا اکثر پیشرفت‌های علمی، فناوری و اجتماعی ناشی از خلاقیت است. قدرت خلاقیت در این است که همه افراد در سطوح مختلف از آن برخوردارند و آن را تا حدی نشان می‌دهد. به طور کلی خلاقیت بیشتر به عنوان تولید راه‌حل‌ها، ایده‌ها یا محصولات جدید و مفید تعریف می‌شود، اما به دلیل ماهیت پیچیده آن تعاریف متعددی دارد (آکار و همکاران، ۲۰۲۱). از نظر تورنس، خلاقیت شامل مراحل حساسیت و توجه به یک مسئله، کمبودها و مشکلات، حدس و گمان، ارائه فرضیاتی در مورد راه‌حل‌ها، ارزشیابی و آزمایش، اصلاحات احتمالی، آزمون مجدد و در نهایت نتیجه‌گیری است (معین‌مهر و همکاران، ۱۴۰۲). در تعریف دیگری خلاقیت توان فرد برای تولید اندیشه‌ها یا محصولات نوین، منحصر به فرد و مفید تعریف می‌شود و نتیجه یک تعامل پیچیده بین یک فرد و محیط اجتماعی است. بر اساس تئوری سیستم‌های بوم شناختی، خلاقیت فردی در خلاء ظاهر نمی‌شود. در عوض، ارتباط نزدیکی با محیط اجتماعی و فرهنگی افراد دارد (دانگ و همکاران، ۲۰۲۲). یکی از عوامل متعددی که نقش بسیار مهمی در رشد خلاقیت افراد دارد سبک‌های فرزندپروری در خانواده است (یانکووسکا و همکاران، ۲۰۱۹). سبک‌های فرزندپروری به طور قابل توجهی بر تمام مراحل زندگی افراد از پیش دبستانی تا دانشگاه تأثیر می‌گذارد (رحیم‌پور و همکاران، ۲۰۱۵). زیرا سبک فرزندپروری که جزء عوامل بسیار مهم و تاثیرگذار در تربیت و عملکردهای آتی فرد است، شامل الگوهای رفتاری و نگرش‌های مختلف است که از طریق آن‌ها در شرایط مختلف، قدرت مادر یا پدر به فرزندش انتقال می‌یابد و این باعث ایجاد یک محیط عاطفی می‌شود که کودک چگونگی شناخت و عمل در جامعه بزرگ‌تر را یاد می‌گیرد (لابی، ۲۰۲۰). سبک فرزندپروری شامل فعالیت‌های پرورشی برای کودک است که رشد شخصیت او را تسهیل

در پژوهش اسگون و همکاران (۱۴۰۰) نتایج نشان داد استفاده از سبک‌های مقتدرانه و دادن استقلال به کودک در کنترحمایت از او منجر به رشد کارکردهای اجرایی در آن‌ها خواهد شد. در پژوهش صفائیان (۱۳۹۱) سبک مقتدرانه سهم معناداری در پیش‌بینی کارکردهای اجرایی از جمله برنامه‌ریزی و سازماندهی دارد. در مطالعه وچکوویچ و همکاران (۲۰۲۱) نیز نتایج نشان داد فرزندی که کارکردهای اجرایی ضعیفی دارند، والدین آن‌ها بیشتر از سبک سختگیرانه همراه با خشونت و پرخاشگری استفاده می‌کردند و در مطالعه آلتبرگر و همکاران (۲۰۲۱) نیز به تاثیر سبک‌های فرزندپروری بر کارکردهای اجرایی نیز اشاره شده است. سبک‌های فرزندپروری می‌توانند تأثیر عمیقی بر رشد و توسعه کارکردهای اجرایی کودکان داشته باشند. بررسی این تأثیرات می‌تواند به والدین و مربیان نیز کمک کند تا روش‌های بهتری برای تربیت فرزندان خود اتخاذ کنند. کارکردهای اجرایی نیز مانند مهارت‌هایی برنامه‌ریزی، حل مسئله و کنترل تکانه‌ها هستند که برای موفقیت در تحصیل و زندگی اجتماعی ضروری‌اند (احمدشاهی و همکاران، ۱۳۹۹). فهم چگونگی تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر این کارکردها می‌تواند به ارتقاء کیفیت آموزش و پرورش کمک کند. از طرفی دیگر خلاقیت به عنوان یک عامل واسطه‌ای می‌تواند درک ما از چگونگی ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری و کارکردهای اجرایی را عمیق‌تر کند. بررسی این نقش می‌تواند به شناسایی راهکارهای جدید برای تقویت خلاقیت در کودکان کمک کند. همچنین با توجه به اینکه پژوهش‌های موجود به صورت جداگانه به هر یک از این موضوعات پرداخته‌اند، بررسی همزمان این سه حوزه می‌تواند به یک دیدگاه جامع‌تر و بهتری را نسبت به تربیت فرزندان ایجاد کند. بنابراین نتایج این پژوهش می‌تواند به معلمان و مشاوران کمک کند تا برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای مؤثرتری طراحی کنند که به تقویت کارکردهای اجرایی و خلاقیت در دانش‌آموزان منجر گردد. پس به طور کلی، این پژوهش می‌تواند به درک بهتر

دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که این نتایج حاکی از اهمیت سبک فرزندپروری بر خلاقیت عاطفی دانش‌آموزان بود. همچنین در پژوهش لبودا و سیکسزنت میهالی (۲۰۲۰) نتایج نشان داد که روابط صمیمی بین اعضای خانواده بر ارتقا خلاقیت آنان موثر است. انیسا و همکاران (۲۰۲۳) نیز معتقد بودند که فرزندپروری مقتدرانه تأثیر مثبت و معناداری بر خلاقیت دارد. یکی دیگر از عوامل موثر بر خلاقیت، توانایی‌های شناختی از جمله کارکردهای اجرایی است. زیرا کارکردهای اجرایی مجموعه‌ای از فرآیندهای کنترل همه جانبه هستند که افکار و رفتارهای فرد را تنظیم می‌کند (فریدمن و همکاران، ۲۰۱۷). به عبارت دیگر کارکردهای اجرایی اصطلاحی چترمانند است که معمولاً به منظور توصیف فرایندهای شناختی پیشرفته مانند تنظیم توجه و تمرکز، نظارت بر خود، برنامه‌ریزی، سازماندهی، انعطاف‌پذیری شناختی، درگیر شدن در استدلال انتزاعی، حل مسئله، بازداری، شروع تکالیف، خودتأملی، خودآگاهی و تنظیم هیجان مطرح می‌گردد (عبدالحممدی و همکاران، ۱۴۰۲). کارکردهای اجرایی بخشی از فرایند خودتنظیمی هستند که ساختارهای پیشانی مغزی محل اصلی رشد آن‌ها هستند. توانایی‌های کارکردهای اجرایی برای موفقیت در فعالیت روزمره ضروری هستند (محسنی‌نسب و همکاران، ۱۴۰۳). پژوهش‌های متعددی از جمله ژائو و همکاران (۲۰۲۱)، زابلینا و همکاران (۲۰۱۹)، شارما و بابو (۲۰۱۷)، بندیک و همکاران (۲۰۱۴)، حسینی و همکاران (۱۴۰۱) و تمنایی‌فر و همکاران (۱۴۰۱) بر رابطه بین کارکردهای اجرایی و خلاقیت تأکید دارند با این حال هنوز مشخص نیست که کدام یک از کارکردهای اجرایی دقیقاً در خلاقیت درگیر هستند (شارما و همکاران، ۲۰۱۷). اما اکثر پژوهشگران معتقدند که ایجاد مشکل در کارکردهای اجرایی توسط عوامل درونی مانند نارسایی‌های مادرزادی در قشر پیشانی یا عوامل بیرونی مانند سبک فرزندپروری والدین می‌تواند خلاقیت را کاهش دهد. برای مثال

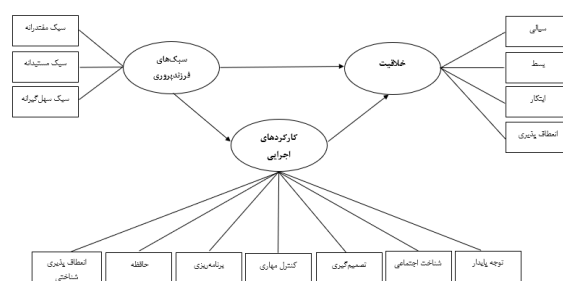
بنابراین به نظر می‌رسد که انجام این پژوهش ضروری است و محققین درصد آزمون این دو فرض هستند:

ما از روابط پیچیده بین عوامل مختلف در تربیت فرزندان کمک کند و منجر به بهبود روش‌ها و سیاست‌های تربیتی گردد.

۱. رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با خلاقیت معنادار است.

۲. کارکردهای اجرایی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و

شکل ۱. مدل مفروض پژوهش



استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم افزار AMOS24 و SPSS22 صورت گرفت.

ابزار پژوهش

روش

آزمون سنجش خلاقیت عابدی (CT): این آزمون شامل ۶۰ سوال سه گزینه‌ای است که از ۴ خرده مقیاس سیالی (سوالات ۱-۲۲)، بسط (سوالات ۳۳-۳۳)، ابتکار (سوالات ۳۴-۴۹) و انعطاف‌پذیری (سوالات ۵۰-۶۰) تشکیل شده است. آزمون خلاقیت عابدی، در سال ۱۳۶۳، از طریق آزمون مجدد دانش آموزان مدارس راهنمایی تهران به چهار بخش آزمون تقسیم شده است: ضریب پایایی بخش سیالی ۰/۸۵، ابتکار ۰/۸۲، انعطاف‌پذیری ۰/۸۴ و بسط ۰/۸۰. ضریب همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط بر ۲۲۷۰ دانش‌آموزان اهل اسپانیا به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۶، ۰/۶۱ و ۰/۶۱ به دست آمده است (دائمی و همکاران، ۱۳۸۳).

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری: پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه‌های فرزندپروری، که ابتدا دارای ۳۰ گویه بود، توسط دینا

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه مورد مطالعه شامل تمامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س) در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. افراد نمونه به روش در دسترس و براساس منطق کلاین (۲۰۰۵) انتخاب شدند. کلاین معتقد است که حداقل حجم نمونه برای هر پارامتر ۵ نفر می‌باشد اما نسبت ۱۰ به ۱ مطلوب‌تر و ۲۰ به ۱ بهترین حالت است. در پژوهش حاضر با توجه به ۱۴ پارامتر موجود و ریزش تعدادی از افراد نمونه، در نهایت ۲۴۵ نفر انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، لینک ابزارهای پژوهش، به صورت ناشناس و به منظور محرمانه بودن اطلاعات آزمودنی‌ها، از طریق شبکه مجازی در گروه‌های کلاسی در اختیار افراد نمونه قرار گرفت. معیارهای ورود به پژوهش شامل تجربه زندگی با والدین، فرزند طلاق نبودن و در قیدحیات بودن والدین بود. سپس تحلیل داده‌ها با

کارشناسی، ۵۲ نفر (۲۱/۲٪) ارشد و ۳ نفر (۱/۲٪) دکتری بوده و رشته تحصیلی ۱۱۸ نفر (۴۸/۲٪) علوم انسانی، ۴۵ نفر (۱۸/۴٪) فنی و مهندسی، ۳۴ نفر (۱۳/۹٪) علوم پایه، ۲۵ نفر (۱۰/۲٪) هنر و ۲۳ نفر (۹/۴٪) سایر هستند.

مقطع تحصیلی مادران شرکت کنندگان برای ۵۶ نفر (۲۲/۹٪) زیردیپلم، ۱۲۳ نفر (۵۰/۲٪) دیپلم، ۴۸ نفر (۱۹/۶٪) لیسانس، ۱۵ نفر (۶/۱٪) فوق لیسانس و ۳ نفر (۱/۲٪) دکتری بود و برای پدران آنها ۶۲ نفر (۲۵/۳٪) زیردیپلم، ۹۰ نفر (۳۶/۷٪) دیپلم، ۵۷ نفر (۲۳/۳٪) لیسانس، ۲۱ نفر (۸/۶٪) فوق لیسانس و ۱۵ نفر (۶/۱٪) دکتری بود. با توجه به اینکه مدل‌یابی معادلات ساختاری از جمله روش‌های گسترش یافته تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر است لذا پیش از ارائه گزارش تحلیل معادلات ساختاری، نتایج بررسی پیش فرض‌های رگرسیون ارائه می‌شود:

در جدول ۱- آمار توصیفی (شامل میانگین و انحراف معیار) نمرات مربوط به متغیرهای اصلی پژوهش گزارش شده است. برای بررسی نرمال بودن داده‌ها نیز از کجی و کشیدگی استفاده گردید، نتایج در جدول ۱ حاکی از آن است که در اکثر متغیرهای مورد مطالعه دامنه +۲ تا -۲ است لذا داده‌ها نرمال هستند.

بامربند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. ترجمه این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱) صورت گرفته است و سبک‌های فرزند پروری والدین را در سه خرده‌مقیاس سهل‌انگازانه، استبدادی و مقتدرانه با طیف لیکرت ۴ درجه‌ای اندازه‌گیری می‌کند. بورای (۱۹۹۱) از روش افتراقی برای ارزیابی اعتبار و روایی این پرسشنامه استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه مستبدانه رابطه منفی با سهل‌گیرانه $r = -0.38$ و مقتدرانه $r = -0.48$ دارد و شیوه سهل‌گیرانه رابطه معناداری با شیوه مقتدرانه نداشت $r = -0.07$ (مهرافروز، ۱۳۷۸). بورای برای محاسبه پایایی نیز از روش بازآزمایی استفاده کرد و نتایج زیر را بدست آورد: 0.81 برای سبک سهل‌گیرانه، 0.86 برای سبک مستبدانه و 0.78 برای سبک مقتدرانه. وی ثبات درونی را با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه نمود که 0.75 برای سبک سهل‌انگازانه 0.85 برای سبک مستبدانه و 0.82 برای سبک مقتدرانه بدست آورد (مهرافروز، ۱۳۷۸).

پرسشنامه توانایی‌های شناختی (CAQ): در سال ۱۳۹۲، نجاتی پرسشنامه‌ای را تدوین کرد که شامل ۳۰ گویه و ۷ خرده‌مقیاس (حافظه، کنترل مهاری و توجه انتخابی، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، توجه پایدار، شناخت اجتماعی و انعطاف‌پذیری شناختی) در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای بود. روایی این پرسشنامه را نجاتی (۱۳۹۲)، با استفاده از روایی تمیزی و روایی همزمان بررسی کرد که نتایج آن مطلوب بود. همچنین پایایی این پرسشنامه، با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه 0.83 گزارش و ضریب همبستگی پیرسون به روش بازآزمایی برابر با 0.86 محاسبه شده است (نجاتی، ۱۳۹۲).

یافته‌ها

از ۲۴۵ نفر شرکت‌کننده در پژوهش، ۱۴۷ نفر (۶۰ درصد) بین ۲۱-۱۸ سال، ۸۱ نفر (۳۳/۰۶ درصد) بین ۲۲-۲۵ سال و ۱۷ نفر (۶/۹۴ درصد) نیز ۲۶-۳۰ سال بوده و میانگین سنی نیز $17/16$ می‌باشد $(2/68 \pm 21/28)$. ۱۵۳ نفر (۶۲/۴٪) از آنها مجرد بوده و ۹۲ نفر (۳۷/۶٪) نیز متاهل هستند. ۱۹۰ نفر (۷۷/۶٪)

جدول ۱. شاخص‌های مرکزی متغیرها جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

| متغیر | مولفه | میانگین | انحراف معیار |
|------------------|----------------------------|---------|--------------|
| سبک فرزندپروری | سهل‌گیرانه | ۱۹/۹۱ | ۴/۳۲ |
| | استبدادی | ۱۱/۸۸ | ۴/۴۱ |
| | مقتدرانه | ۲۴/۲۷ | ۳/۸۱ |
| کارکردهای اجرایی | حافظه | ۱۲/۳ | ۷/۸۹ |
| | کنترل مهارت و توجه انتخابی | ۱۵/۹۸ | ۴/۴۶ |
| | تصمیم‌گیری | ۱۱/۸۲ | ۳/۸۸ |
| خلاقیت | برنامه‌ریزی | ۷/۲۲ | ۲/۷۴ |
| | توجه پایدار | ۸/۲۰ | ۲/۶۷ |
| | شناخت اجتماعی | ۱۰/۸۵ | ۲/۱۲ |
| سبک فرزندپروری | انعطاف‌پذیری شناختی | ۱۰/۰۰۸ | ۲/۸۲ |
| | سیالی | ۷۶/۸۸ | ۱۴/۴۵ |
| | بسط | ۲۸/۶ | ۴/۸۲ |
| خلاقیت | ابتکار | ۱۲/۳ | ۸/۹۸ |
| | انعطاف‌پذیری | ۱۸/۳ | ۷/۳۰ |
| | نمره کل | ۱۳/۸۵ | ۳/۱۰ |

جدول ۲ ماتریس همبستگی پیرسون را به عنوان پیش فرض برای متغیرهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. با توجه به آن متغیر سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه دارای همبستگی معنی‌دار مثبت با سبک فرزندپروری مستبدانه ($r=0/072$) و دارای همبستگی معنادار منفی با سبک فرزندپروری مقتدرانه ($r=-0/253$)، کارکردهای اجرایی ($r=0/197$) و خلاقیت ($r=0/223$) است. بین سبک فرزند پروری مستبدانه با سبک فرزندپروری مقتدرانه

با کارکردهای اجرایی ($r=-0/165$) و خلاقیت ($r=-0/294$) رابطه معنادار منفی برقرار است و سبک فرزندپروری مقتدرانه نیز با کارکردهای اجرایی ($r=0/188$) و خلاقیت ($r=0/272$) دارای رابطه مثبت معنادار است. همچنین کارکردهای اجرایی با خلاقیت ($r=0/188$) دارای رابطه مثبت معنادار می‌باشند.

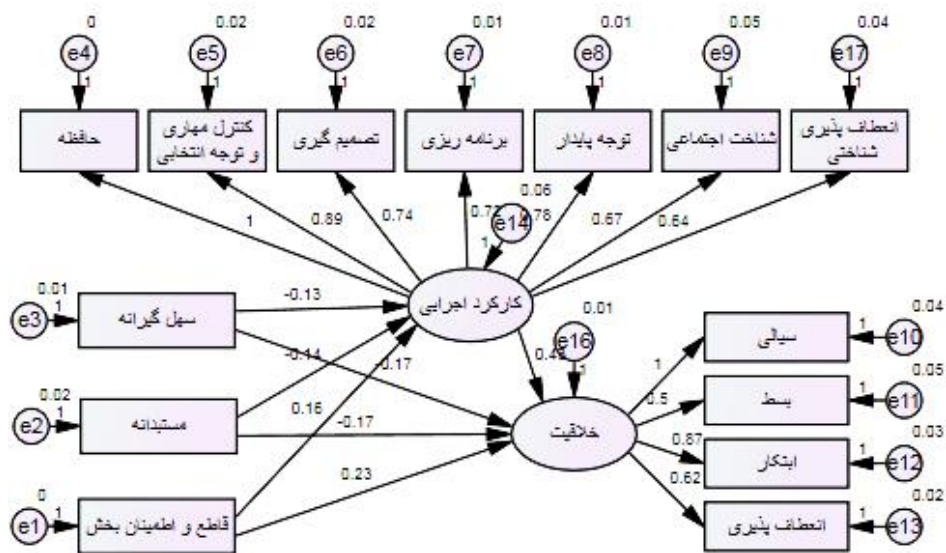
جدول ۲. ماتریس همبستگی پیرسون برای متغیرهای پژوهش

| متغیرهای پژوهش | سهل‌گیرانه | مستبدانه | مقتدرانه | کارکردهای اجرایی | خلاقیت |
|-------------------------|------------------------------------|------------------------|---------------|------------------|--------------|
| سبک‌های فرزندپروری | سهل‌گیرانه مستبدانه مقتدرانه | ۱ ۰/۰۷۲ -۰/۲۵۳** | ۱ -۰/۴۲۶** | ۱ ۰/۱۹۷** | ۱ ۰/۱۸۸** |
| کارکردهای اجرایی | | | | ۱ | |
| خلاقیت | | | | | ۱ |
| ** معناداری در سطح ۰/۰۱ | | | | | |

جدول ۳ نشان می‌دهد که پیش‌فرض استقلال منابع خطای مورد مطالعه محقق شده است، چراکه شاخص‌های مربوط به آزمون دوربین-واتسون در محدوده مطلوب یعنی (۲/۵ - ۱/۵) قرار دارد و در نتیجه خطاها با یکدیگر همبستگی ندارند.

جدول ۳. آزمون دوربین-واتسون برای پیش‌فرض استقلال

| مدل | R | R2 | R2 اصلاح‌شده | خطای معیار برآورد | دوربین-واتسون |
|------------------|-------|-------|--------------|-------------------|---------------|
| خلاصیت | ۰/۳۸۷ | ۰/۲۵۰ | ۰/۲۳۶ | ۱۶/۳۶ | ۱/۹۵۹ |
| کارکردهای اجرایی | ۰/۲۱۵ | ۰/۱۴۶ | ۰/۱۳۴ | ۱۰/۸۳ | ۲/۰۷۲ |



شکل ۱. مدل ساختاری نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی در رابطه بین سبک فرزندپروری با خلاصیت

میانگین مجذورات خطای تقریب مساوی با میانگین مجذورات خطای (RMSEA=۰/۰۷۹) بوده و این نتایج حاکی از برازش مطلوب مدل برونداد است و در واقع نشان دهنده این است که مدل ترسیمی نظری پژوهش به طور مطلوب با مدل موجود در جامعه هماهنگ است.

جدول ۴ شاخص‌های برازندگی مدل برونداد را نشان می‌دهد، که شاخص‌های برازندگی شامل شاخص مجذور خی ($\chi^2=322/6$) مجذور خی نسبی ($\chi^2/df=4/360$)، شاخص نیکویی برازش ($GFI=0/902$)، شاخص برازش هنجار شده ($NFI=0/917$)، شاخص نیکویی برازش مقایسه‌ای ($CFI=0/89$)، و جذر

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل برونداد

| شاخص‌ها | X2 | df | X2/df | GFI | NFI | CFI | RMSEA |
|-------------|-------|----|-------|-------|-------|-------|-------|
| مدل برونداد | ۳۲۲/۶ | ۷۴ | ۴/۳۶۰ | ۰/۹۰۲ | ۰/۹۱۷ | ۰/۸۹۴ | ۰/۰۷۹ |

در جدول ۵ با استفاده از روش بوت استرپ ضرایب اثر مستقیم و غیرمستقیم و اثر کل بین متغیرهای پیش بین، واسطه و ملاک گزارش شده است. میزان ضریب بتا به ما نشان می‌دهد که هر مولفه به میزان ضریب بتا هر ۱ واحد نمره خلاقیت را تبیین می‌کند که از نظر آماری معنادار می‌باشند بتای مثبت نشان از رابطه مستقیم و بتای منفی نشان از رابطه و اثر منفی و معکوس

است. نتایج گزارش شده نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری با واسطه کارکردهای اجرایی خلاقیت را در دانشجویان پیش بینی می‌کند، این بدین معناست که مدل نقش میانجیگری کارکردهای اجرایی در رابطه بین سبک فرزندپروری با خلاقیت دانشجویان برازش دارد.

جدول ۵- اثر کامل، مستقیم و غیرمستقیم بین سبک فرزندپروری با واسطه‌گری کارکردهای اجرایی بر خلاقیت

| متغیرها | اثر مستقیم | اثر غیرمستقیم | اثر کل |
|--|---------------------------|---------------|--------|
| سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ← کارکردهای اجرایی | $\beta(-0/134), P(0/045)$ | | |
| سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ← تصمیم‌گیری | $\beta(0/209), P(0/002)$ | | |
| سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ← برنامه‌ریزی | $\beta(-0/194), P(0/019)$ | | |
| سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ← شناخت اجتماعی | $\beta(-0/255), P(0/001)$ | | |
| سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ← بسط | $\beta(-0/137), P(0/042)$ | | |
| سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ← انعطاف‌پذیری | $\beta(-0/230), P(0/001)$ | | |
| سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ← خلاقیت | $\beta(-0/170), P(0/008)$ | | |
| سبک فرزندپروری مستبدانه ← کارکردهای اجرایی | $\beta(-0/142), P(0/037)$ | | |
| سبک فرزندپروری مستبدانه ← کنترل مهاری و توجه انتخابی | $\beta(-0/146), P(0/042)$ | | |
| سبک فرزندپروری مستبدانه ← تصمیم‌گیری | $\beta(-0/178), P(0/013)$ | | |
| | $\beta(-0/217), P(0/001)$ | | |

| | | | |
|--|--|---------------------------|---|
| | | $\beta(-0.133), P(0.046)$ | سبک فرزندپروری مستبدانه ← توجه پایدار |
| | | $\beta(-0.149), P(0.041)$ | سبک فرزندپروری مستبدانه ← شناخت اجتماعی |
| | | $\beta(-0.174), P(0.012)$ | سبک فرزندپروری مستبدانه ← انعطاف پذیری شناختی |
| | | $\beta(-0.256), P(0.001)$ | سبک فرزندپروری مستبدانه ← خلاقیت |
| | | $\beta(-0.191), P(0.006)$ | سبک فرزندپروری مستبدانه ← سیالی |
| | | $\beta(-0.239), P(0.001)$ | سبک فرزندپروری مستبدانه ← انعطاف پذیری |
| | | | سبک فرزندپروری مستبدانه ← ابتکار |
| | | $\beta(0.162), P(0.031)$ | سبک فرزندپروری مقتدرانه ← کار کرد اجرایی |
| | | $\beta(0.148), P(0.041)$ | سبک فرزندپروری مقتدرانه ← کنترل مهارى |
| | | $\beta(0.157), P(0.027)$ | سبک فرزندپروری مقتدرانه ← توجه پایدار |
| | | $\beta(0.236), P(0.001)$ | سبک فرزندپروری مقتدرانه ← خلاقیت |
| | | $\beta(0.227), P(0.007)$ | سبک فرزندپروری مقتدرانه ← بسط |
| | | $\beta(0.238), P(0.003)$ | سبک فرزندپروری مقتدرانه ← ابتکار |
| | | $\beta(0.163), P(0.023)$ | سبک فرزندپروری مقتدرانه ← انعطاف پذیری |
| | | $\beta(0.436), P(0.001)$ | کار کرد اجرایی ← خلاقیت |
| | | $\beta(0.288), P(0.021)$ | حافظه ← خلاقیت |
| | | $\beta(0.167), P(0.018)$ | حافظه ← سیالی |
| | | $\beta(0.221), P(0.042)$ | حافظه ← ابتکار |
| | | $\beta(-0.151), P(0.049)$ | کنترل مهارى و توجه انتخابی ← خلاقیت |
| | | $\beta(-0.341), P(0.001)$ | کنترل مهارى و توجه انتخابی ← ابتکار |
| | | $\beta(0.246), P(0.027)$ | تصمیم گیری ← خلاقیت |
| | | $\beta(0.178), P(0.034)$ | برنامه ریزی ← خلاقیت |
| | | $\beta(0.210), P(0.017)$ | برنامه ریزی ← بسط |
| | | $\beta(0.176), P(0.038)$ | برنامه ریزی ← انعطاف پذیری |

| | | | |
|-----------------|-----------------|--------------------------|---|
| | | $\beta(0/163), P(0/034)$ | توجه پایدار ← سیالی |
| | | $\beta(0/181), P(0/039)$ | شناخت اجتماعی ← بسط |
| | | $\beta(0/179), P(0/006)$ | شناخت اجتماعی ← ابتکار |
| | | $\beta(0/237), P(0/001)$ | شناخت اجتماعی ← انعطاف پذیری |
| | | $\beta(0/217), P(0/028)$ | انعطاف پذیری شناختی ← خلاقیت |
| | | $\beta(0/162), P(0/030)$ | انعطاف پذیری شناختی ← سیالی |
| | | $\beta(0/332), P(0/001)$ | انعطاف پذیری شناختی ← انعطاف پذیری |
| $P(0/019)$ | $P(0/021)$ | | سبک فرزندپروری سهل گیرانه ← کارکردهای اجرایی ← خلاقیت |
| $\beta(-0/228)$ | $\beta(-0/058)$ | | |
| $P(0/011)$ | $P(0/016)$ | | سبک فرزندپروری مستبدانه ← کارکردهای اجرایی ← خلاقیت |
| $\beta(-0/235)$ | $\beta(-0/061)$ | | |
| $P(0/002)$ | $P(0/007)$ | | سبک فرزندپروری مقتدرانه ← کارکردهای اجرایی ← خلاقیت |
| $\beta(0/306)$ | $\beta(0/070)$ | | |

نتایج بدست آمده مدل نظری نقش میانجی‌گری کارکردهای اجرایی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با خلاقیت دانشجویان در سطح $0/05$ و با احتمال 95% تأیید می‌گردد.

مطابق با شکل ۱ و جدول ۳ متغیرهای سبک فرزندپروری و کارکردهای اجرایی بطور همزمان قادر به تبیین ۲۵ درصد از واریانس خلاقیت هستند. همچنین، سبک فرزندپروری قادر به تبیین $14/6$ درصد از واریانس خلاقیت می‌باشد. با توجه به

بحث و نتیجه‌گیری

همکاران (۲۰۲۳) نیز هم راستا با این یافته بودند. به منظور تبیین یافته اول این پژوهش، مبنی بر رابطه مثبت و معنادار سبک‌های فرزندپروری با خلاقیت میتوان گفت که تورنس معتقد است که برای پرورش خلاقیت، محیطی که هم آزادی بیان و هم ارتباط سالم را تضمین کند، بهترین محیط است. بنابراین در سبک‌های مستبدانه و سهل انگارانه که ارتباطات ناسالم است و

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با خلاقیت و نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی در دانشجویان انجام شد. اولین یافته این پژوهش نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار سبک‌های فرزندپروری با خلاقیت بود که پژوهش‌های کاپلند و همکاران (۲۰۱۳)، مهری‌نژاد و همکاران (۲۰۱۵)، ملتفت و همکاران (۲۰۱۸)، لبودا و همکاران (۲۰۲۰) و انیسا و

های ژائو و همکاران (۲۰۲۱)، زابلینا و همکاران (۲۰۱۹)، شارما و بابو (۲۰۱۷)، بندیک و همکاران (۲۰۱۴)، حسینی و مغنی زاده (۱۴۰۱)، تمنایی فر و همکاران (۱۴۰۱)، همراسا با آن هستند. در تبیین این یافته نیز می توان گفت که بر اساس دیدگاه تورنس خلایقیت، نوعی حل مسئله است که به انعطاف پذیری شناختی نیاز دارد و از آنجا که هردوی آن ها جز مولفه های کارکردهای اجرایی هستند (معین مهر و همکاران، ۱۴۰۲)، پس می توان گفت که کارکردهای اجرایی بر خلایقیت موثر است. همچنین نظریه توجه کنترل شده بیان می کند که تولید ایده نتیجه فرآیندهای کنترل شده از بالا به پایین است که نه تنها مانع از بروز پاسخ های غالب و تداخل محرک های خارجی نامرتبط می شود بلکه به ارزیابی و بازتعریف ایده های اولیه نیز کمک می کند (شارما و همکاران، ۲۰۱۷). این پژوهش نیز مانند تمامی پژوهش ها با محدودیت هایی نیز رو به رو بود که از آن جمله می توان به سوگیری به علت جمع آوری داده ها براساس مقیاس های خود گزارش دهی اشاره کرد. همچنین محدود بودن جامعه آماری به دانشجویان دختر دانشگاه الزهرا (س) نیز از دیگر محدودیت ها بود. لذا پیشنهاد می گردد که تعمیم نتایج با احتیاط صورت بگیرد و در پژوهش های آینده حجم بیشتر و جامعه های متفاوت در نظر گرفته شود. در انتها نیز از تمامی شرکت کنندگانی که با صرف وقت ارزشمند خود ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند، کمال تشکر را داریم.

گفتگوی مناسبی بین فرزندان و والدین شکل نمی گیرد، خلایقیت کودک نمیتواند به خوبی رشد کند اما در سبک مقتدرانه که روابط و صمیمیت در سطح مطلوبی قرار دارد، زمینه برای رشد بهتر خلایقیت فراهم است. یافته دوم پژوهش حاضر حاکی از رابطه مثبت و معنادار سبک های فرزندپروری با کارکردهای اجرایی بود. در این راستا نیز نتایج پژوهش های اسگون و همکاران (۱۴۰۰)، صفائیان (۱۳۹۱)، وچکوویچ و همکاران (۲۰۲۱)، آلتنبرگر و همکاران (۲۰۲۱)، این فرض را تأیید کردند. در این زمینه مطالعات زیادی در مورد چگونگی تأثیر فرزندپروری بر کارکردهای اجرایی از نظر بیولوژیکی انجام شده است. برای مثال مسیر تالاموس-هیپوفیز-آدرنال شاخص مهمی برای درک چگونگی تأثیر استرس بر روی این مسیر است و هورمون هایی که پس از استرسی مانند رفتارهای منفی والدین در بدن ترشح می شوند تأثیر عمیقی بر شناخت و کارکردهای اجرایی خواهد داشت (اسگون و همکاران، ۱۴۰۰). بنابراین چون در سبک مستبدانه، اغلب پرخاشگری و خشونت دیده می شود، فرزندان رابطه پر تنش را تجربه می کنند که تأثیرات آن از طریق هورمون های استرس بر این مسیر ملموس است، اما در سبک مقتدرانه که همواره آرامش در رابطه بین والدین و فرزندان حاکم است، کارکردهای اجرایی عملکرد بهتری از خود نشان می دهند. یافته سوم پژوهش حاضر نیز حاکی از رابطه مثبت و معنادار تمامی مولفه های کارکردهای اجرایی با خلایقیت بود که پژوهش

References

- Acar, S., Tadik, H., Myers, D., Van der Sman, C., & Uysal, R. (2021). Creativity and well-being: A meta-analysis. *The Journal of Creative Behavior*, 55(3), 738-751.
- Afshani, M., Kasaei Esfahani, A., Zaharakar, K. (2024). the Mediating Role of Using Social Networks in the Relationship between Authoritative and Permissive Parenting Styles with Academic Procrastination among the First High School Students. *Journal of Research in Psychological Health*, 18 (1) ,45-58. [persian]
- Aldhafri, S. S., Alrajhi, M. N., Alkharusi, H. A., Al-Harthy, I. S., Al-Barashdi, H. S., & Alhadabi, A. S. (2020). Parenting styles and academic self-efficacy beliefs of Omani school and university students. *Education Sciences*, 10(9), 229.
- Altenburger, L. E., & Schoppe-Sullivan, S. J. (2021). Contributions of parenting quality and coparenting relationship quality to the development of child executive functioning. *Early childhood research quarterly*, 57, 133-143.
- Anisah, T. N., Andika, A., & Andari, E. (2023). The Contribution of Authoritative Parenting Style to Entrepreneurial Preparedness: Mediated by Risk Tolerance, Self-Efficacy, and Creativity. *Dinasti International Journal of Digital Business Management*, 4(6), 1059-1073.
- Benedek, M., Jauk, E., Sommer, M., Arendasy, M., & Neubauer, A. (2014a). Intelligence, creativity, and cognitive control: The common and differential involvement of executive functions in intelligence and creativity. *Intelligence Journal*, 46, 73-83.
- Daemi, H., & Moghimi Barforoosh, F. (2004). Normalization of The Creativity Test. *Advances in Cognitive Sciences*, 6(3 and 4), 1-8. [persian]
- Dong, Y., Lin, J., Li, H., Cheng, L., Niu, W., & Tong, Z. (2022). How parenting styles affect children's creativity: Through the lens of self. *Thinking Skills and Creativity*, 45, 101045.
- Esgoon, N., Zarean, M., & Babapour, Kh. (2023). Prediction of executive function problems based on parenting styles. *8th Congress of the Iranian Psychological Association*, Tehran. [persian]
- Fearon, D. D., Copeland, D., & Saxon, T. F. (2013). The relationship between parenting styles and creativity in a sample of Jamaican children. *Creativity research journal*, 25(1), 119-128.
- Fooladi, F., Purshahriar, H., & Ebrahimi, S. (2022). The Relationship between Helicopter Parenting and Mental Health with Academic Welfare in High School Female Students: The Mediating Role of Academic Self-Efficacy. *Journal of Modern Psychological Researches*, 17(66), 217-228. [persian]
- Ghadiri sourman abadi, F., & Abdolmohammadi, K. (2023). Executive Functions in Adolescents with Sleep Disorder. *Shefaye Khatam journal*, 11(2), 32-40. [persian]
- Gralewski, J., & Jankowska, D. M. (2020). Do parenting styles matter? Perceived dimensions of parenting styles, creative abilities and creative self-beliefs in adolescents. *Thinking skills and creativity*, 38, 100709.
- Hoseini, F. S., Ahmadshahi, T., Rajabi, S. (2020). The Effective Effectiveness of Computerised Cognitive Games on Executive Functions and Creativity of Preschool Children. *CPJ*, 8 (3) ,52-70. [persian]
- Hosseini, F., & Moghnizade, Z. (2023). Predicting students' creativity based on executive functions and emotional regulation. *Asibhaye ejtemaee va farhangi Iran*, Tehran. [persian]
- Jankowska, D. M., & Karwowski, M. (2019). Family factors and development of creative thinking. Personality and individual differences, 142, 202-206.
- Lebuda, I., & Csikszentmihalyi, M. (2020). All you need is love: The importance of partner and family relations to highly creative individuals' Well-being and success. *The Journal of Creative Behavior*, 54(1), 100-114.
- Lebuda, I., & Csikszentmihalyi, M. (2020). All you need is love: The importance of partner and family relations to highly creative individuals' Well-being and success. *The Journal of Creative Behavior*, 54(1), 100-114.
- Lyons, L. K. (2020). "What Makes 'Em Tick?" *The Impact of Parenting Style and Parent-Initiated Motivational Climate on Student Athletes' Motivation Orientation in the Context of Intercollegiate Athletics* (Doctoral dissertation, Utah State University).

- Mehrafrouz, H. (1999). Investigating the Relationship between mother's attitude towards parenting stays with Locus of Control and Academic Achievement Among Primary School Fourth- Grade Male Students. Masters essay. *Tehran Tarbiat Moallem University*. [persian]
- Mehrinejad, S. A., Rajabimoghadam, S., & Tarsafi, M. (2015). The relationship between parenting styles and creativity and the predictability of creativity by parenting styles. *Procedia-social and behavioral sciences*, 205, 56-60.
- Mohseninasab, Z., Saket, S., Deilami pooya, M., Basiti, S., Jafari, S. (2024). The effectiveness of mindfulness training on executive functions (working memory and attention) and self-efficacy in patients with anxiety disorders. *CPJ*, 12 (1), 31-45. [persian]
- Moin Mehr, F., Afrooz, G., & Davae, M. (2023). Explain of Students Creativity Based on Spiritual Happiness with Mediating Role of Perfectionism. *journal of Adolescent and Youth Psychological Studies*, 4(1), 35-46. [persian]
- Moltafet, G., Sadati Firoozabadi, S. S., & Pour-Raisi, A. (2018). Parenting style, basic psychological needs, and emotional creativity: A path analysis. *Creativity Research Journal*, 30(2), 187-194.
- Nejati, V. (2013) Cognitive Abilities Questionnaire: Development and Evaluation of Psychometric Properties. *advances in Cognitive Science*. 15 (2), 11-19. [persian]
- Nemati, F., Ghaedi, K. (2023). Structural Relationships of Sleep Problems with Emotional Intelligence in Adolescents Considering the Mediating Role of defect in executive functions. *CPJ*, 11 (2) ,46-60. [persian]
- Rahimpour, P., Direkvand-Moghadam, A., Direkvand-Moghadam, A., & Hashemian, A. (2015). Relationship between the parenting styles and students' educational performance among iranian girl high school students, a cross-sectional study. *Journal of clinical and diagnostic research: JCDR*, 9(12), JC05.
- Safaeian, E. (2012). The relationship between parenting styles and the executive functions of planning-organization and self-control in children with attention deficit/hyperactivity disorder. Masters essay. Allame Tabatabaee University. [persian]
- Sharma, S., & Babu, N. (2017). Interplay between creativity, executive function and working memory in middle-aged and older adults. *Creativity Research Journal*, 29(1), 71-77.
- Tamannaefar, S., TahanBidgoli, N., Khodadady, A., & Mohammadi Masiri, F. (2023). The Relationship between Brain's Executive Functions and Intelligence and Creativity in Pre-School Teachers. *Tafakkor va kudak journal*, 13(2), 59-76. [persian]
- Vučković, S., Ručević, S., & Ajduković, M. (2021). Parenting style and practices and children's externalizing behaviour problems: Mediating role of children's executive functions. *European Journal of Developmental Psychology*, 18(3), 313-329.
- Zabelina, D. L., Friedman, N. P., & Andrews-Hanna, J. (2019). Unity and diversity of executive functions in creativity. *Consciousness and cognition*, 68, 47-56.
- Zhao, X., Zhang, W., Tong, D., & Maes, J. H. R. (2021). Creative thinking and executive functions: Associations and training effects in adolescents. *Psychology of Aesthetics, Creativity, and the Arts*. Advance online publication.
- Zhao, X., Zhang, W., Tong, D., & Maes, JH. (2023). Creative thinking and executive functions: Associations and training effects in adolescents. *Psychology of Aesthetics, Creativity, and the Arts*, 17(1), 7-17.

